

بررسی ماهیت مجازات اعدام در جرم قاچاق مواد مخدر در ایران

فرزین سلیمی، رضا محمودآبادی

عضو باشگاه پژوهشگران و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سیرجان، سیرجان، ایران.

Salimi1108@yahoo.com

کارشناس ارشد، گروه حقوق عمومی و عضو باشگاه پژوهشگران و نخبگان دامشگاه آزاد اسلامی، واحد سیرجان، سیرجان، ایران.

rezamahmodabadi@gmail.com

چکیده:

از گذشته اختلاف دیدگاههایی بین تعدادی از فقها و حقوقدانان در خصوص ماهیت مجازات اعدام بندی مجازاتهای جرایم تعزیری در ماده 19 قانون مجازات اسلامی مصوب 92 و عدم ذکر مجازات اعدام در این ماده، این اختلاف نظر عمیقتر گردیده است. این اختلاف دیدگاهها و استدلالهایی که فقها و علمای حقوق در جهت اثبات نظریه خود ارائه میدهند به گونه ایست که برخی از قضات و متصدیان امر مبارزه با مواد مخدر را با چالش جدی روبرو نموده است. در این مقاله، پس از بیان مقدمه، به تعاریف حد، تعزیر، مفسد فی الارض و محاربه و تفاوتهای بین تعزیر و حدود پرداخته و سپس به بررسی دیدگاههای متفاوت عدهای از فقها و حقوقدانان در رابطه با ماهیت مجازات اعدام در قاچاق مواد مخدر پرداخته شده است و پس از تعریف جرائم و مجازاتهای حد و تعزیر و بیان تفاوتهای این دو با یکدیگر، نظری هی عده ای از فقها که معتقدند مجازات جرایم تعزیری باید کمتر از مجازاتهای حدی باشد و نمیتوان در خصوص جرایم تعزیری از جمله قاچاق مواد مخدر، مجازات اعدام، که اشد مجازاتها میباشد را تعیین نمود را به صورت مشروح بیان شده (گروه اول) و سپس دیدگاه عده ای دیگر از فقها که معتقدند اگرچه مجازات جرایم تعزیری باید کمتر و پایینتر از مجازاتهای حدی باشد، لیکن مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر از باب تعزیر نیست بلکه از مصادیق افساد فی الارض محسوب شده و میتوان تحت عنوان «مفسد فی الارض» حکم به مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر صادر نمود» را بیان (گروه دوم) و در تعاقب، نیز به نظر گروه سومی که با استناد به آراء و فتاوی معتبر فقهی، با رد نظر دو گروه دیگر، این گونه عقیده دارند که در مواردی که مصلحت جامعه اسلامی ایجاب نماید، حاکم شرع (ولایت فقیه) با مدنظر قرار دادن شرایط خاص اجتماعی، مکانی و زمانی میتواند نسبت به صدور مجازات «اعدام» در خصوص مرتکبین جرایم تعزیری به ویژه قاچاقچیان مواد مخدر اقدام نماید گروه سوم پرداخته شده است

کلید واژه: اعدام، قاچاق مواد مخدر، حدود، تعزیر، محاربه، افساد فی الارض.

۱- مقدمه:

در دنیای امروز هیچ جامعه ای را نمی توان یافت که در برابر کج رویها، کنش های نابه هنجار، آسیب های اجتماعی و جرایم مختلف، از خود واکنش نشان ندهد. زیرا آسیب شناسان اجتماعی و نهادها و سازمان های متولی نظم و امنیت از این واقعیت آگاه اند که کنش های کج روانه و رفتارهای مغایر با ارزش ها و هنجارهای جامعه نه تنها امنیت اجتماعی را دستخوش اختلال می سازد. بلکه اعتماد عمومی را در جامعه متزلزل می سازد همچنین شأن و منزلت نهادها و نیروهای متولی نظم و امنیت جامعه را کاهش می دهد

امنیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، موهبتی الهی است که در کنار سایر نیازهای اساسی مطرح می شود. بر این اساس تأمین امنیت یکی از وظایف اساسی نظام اسلامی است و ایجاد امنیت همچون عبادت تلقی می شود ایشان تأکید دارند که امنیت دارای شقوق اجتماعی و سیاسی است و معنای امنیت اجتماعی این است که مردم در محیط کار و زندگی خود احساس خوف و تهدید و نا امنی نکنند این نگاه به امنیت اجتماعی، ضرورت توجه به مسائل اجتماعی را پدیدار می سازد

افزایش روز افزون و لجام گسیخته مصرف مواد و اعتیاد، کاهش خطرناک و هشدار دهنده سن مصرف کنندگان، پدیده های وحشتناک و تهدیدی عینی بر امنیت است. به طوری که در کشور ما شمار مصرف کنندگان مواد، نزدیک ۳۰ میلیون نفر برآورد شده که مواد افیونی بیش ترین مواد مصرفی است. این امر کارشناسان و دست اندرکاران را بر آن داشت که با انجام مطالعات و پژوهش های علمی به دنبال کشف قوانین و رهیافت های مؤثر و کاربردی برای پیشگیری، کنترل، درمان و مبارزه با این آسیب اجتماعی که دارای ریشه ها و ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است، باشند چون جرایم مرتبط با مواد مخدر، می تواند ریشه بسیاری از جرایم مانند سرقت، قتل، تجاوز به عنف، اخلاص در امنیت کشور، و فساد اداری باشد؛ زیرا مرتکبان جرایم مواد مخدر، بیش ترین کسانی را تشکیل می دهند که در جرایم بر ضد اشخاص، اموال و امنیت، شرف و حیثیت جامعه، دخالت دارند که به دلیل شدت خطر و آسیب جرایم مواد مخدر مانند کشت وسیع، اعتیاد و قاچاق وسیع و توزیع مواد مخدر در سطح گسترده، از جرایم مستوجب اعدام در قوانین برخی کشورها دانسته شده است.

با توجه به اهمیت زیادی که این مقاله دارد برآنیم تا با مروری ماهیت مجازات اعدام در جرم قاچاق مواد مخدر ارائه دهیم و با توجه به اینکه چقدر از نیروی انسانی جوان روزانه در این راه تلف می شود و چقدر از این بابت ضرربه جامعه وارد میشود از طرفی با اختلاف نظر بین فقها در مجازات مجرم قاچاق مواد مخدر پژوهش در این باره ضروری به نظر می رسد.

سوالی که در این مقاله به دنبال پاسخگویی به آن هستیم عبارت است از: ماهیت مجازات اعدام در جرائم قاچاق مواد مخدر در قانون ایران چگونه است؟ سوالات فرعی عبارتند از: آیا جرم مواد مخدر از جرایم مستوجب حد است یا تعزیر؟ اگر جرایم مربوط به مواد مخدر از جرایم مستلزم تعزیر باشد، در جرایم مستلزم تعزیر، اعدام جایز است یا خیر؟ آیا مجازات اعدام در قاچاق مواد مخدر از باب فساد فی الارض بودن جایز است؟

اهداف اصلی و فرعی عبارتند از: ۱- شناسایی و تبیین ماهیت مجازات اعدام در جرم قاچاق مواد مخدر در ایران ۲- تبیین و شناسایی ماهیت مجازات اعدام ۳- تبیین و شناسایی جرم قاچاق مواد مخدر در ایران.

فرضیه های اصلی و فرعی عبارتند از: ۱- به نظر می رسد مجازات اعدام در جرائم قاچاق مواد مخدر در قانون ایران وجود دارد. ۲- به نظر می رسد جرم مواد مخدر از جرایم مستوجب حد است ۳- به

نظر می رسد جرم مواد مخدر از جرایم مستوجب تعزیر است ۴- نظر می رسد مجازات اعدام در قاچاق مواد مخدر از باب فساد فی الارض بودن جایز است.

دو نوع متغیر در این مقاله وجود دارد: - متغیر مستقل: مجازات اعدام و متغیر وابسته: جرائم قاچاق مواد مخدر در قانون ایران. این پژوهش به روش کتابخانه ای با ابزار فیش برداری به انجام رسیده است. این پژوهش از نوع پژوهشهای توصیفی می باشد.

۲- بیان مساله:

قاچاق مواد مخدر امروزه به عنوان یکی از پرسودترین تجارت های غیرقانونی دنیا به شمار رفته و در سراسر گیتی عواید نامشروعی را عاید بسیاری از قاچاقچیان نموده است و متأسفانه کشور ما به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و قرار گرفتن در همسایگی کشورهای چون افغانستان (بزرگترین تولید کننده مواد مخدر در جهان) و پاکستان و وجود بازار مصرف در داخل کشور و از طرفی سهل الوصول ترین مسیر ترانزیتی به سایر کشورها از جمله قاره اروپا، همواره مورد توجه قاچاقچیان و سودجویان مواد مخدر قرار داشته و این افراد به انحاء مختلف و در مواردی به صورت مسلحانه اقدام به وارد نمودن انواع مواد مخدر به داخل کشور نموده و محموله های مواد مخدر را از داخل خاک ایران عبور داده و یا با توجه به وجود بازار مصرف و جمعیت جوان کشورمان، اقدام به توزیع انواع مواد مخدر در داخل کشور مینمایند. سیاست جمهوری اسلامی ایران همواره برخورد جدی با این بلای خانمان سوز جهانی بوده، به نحوی که تا کنون در این راه هزینه های معنوی و مادی بسیار زیادی در این راه صرف شده است که میتوان به تقدیم حدود ۴ هزار نفر شهید اشاره نمود، یکی از اقدامهای اساسی در امر مبارزه با مواد مخدر برخورد قاطع قانونی و قضایی با قاچاقچیان و تعیین شدیدترین مجازات یعنی «اعدام» در قوانین کیفری میباشد که همواره انتقادهایی از سوی برخی از حقوقدانان داخلی و همچنین مجامع بینالمللی بر این موضوع وارد میباشد.

با توجه به اینکه در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در دسته بندی مجازاتهای تعزیری، مجازات اعدام ذکر نشده است و از طرفی جرم قاچاق مواد مخدر و جرایم مرتبط با آن نیز در زمره جرایم تعزیری قرار دارد، لذا بر این اساس اختلاف نظرهای متعدد و

ابهاماتی پدید آمده و در این خصوص بین فقها و حقوقدانان تفاوت دیدگاه زیادی وجود دارد.

برخی از صاحب نظران چنین عقیده دارند که قاعده فقهی «التعزیر بحدود الحد» یعنی «مجازات تعزیری کمتر از حد میباشد» و مجازات تعزیری نمیتواند از مجازاتهای تعیین شده در حدود که اشد آن اعدام میباشد، بیشتر باشد، لذا اعدام قاچاقچیان مواد مخدر در ارتکاب جرایم تعزیری قاچاق مواد مخدر با استناد به این قاعده محل اشکال میباشد. برخی دیگر از فقها و حقوقدانان با برداشت گروه اول، از قاعده فقهی مذکور موافق میباشد یعنی قبول دارند که «مجازات تعزیری کمتر از حد میباشد» ولی برای توجیه مجازات اعدام در جرم قاچاق مواد مخدر، معتقدند که قاچاق، خرید و فروش و توزیع مواد مخدر جز جرایم تعزیری محسوب نمیشوند بلکه به استناد برخی آرای فقهی، این گونه جرایم چون موجب اشاعه فساد در سطح جامعه میگردد مرتکب آن به عنوان مفسد فیالارض محسوب شده و چنانچه به صورت مسلحانه باشد مصداق محاربه قرار میگیرد. لذا مجازات اعدام قاچاقچیان مواد مخدر از باب حدود میباشد نه تعزیرات، گروهی دیگر از صاحب نظران چنین عقیده دارند که قاعده فقهی «التعزیر بحدود الحد» به این معنا که «مجازات تعزیری کمتر از حد می باشد» نیست بلکه معنای صحیح آن «مجازات تعزیری غیر از حد است» می باشد و به استناد به این قاعده و قاعده فقهی «التعزیر به ما یراه الامام» «تعزیر در اختیار امام (یا حاکم) می باشد» اعتقاد دارند که حاکم چنانچه بنا به دلائلی مصلحت بداند میتواند هر نوع مجازاتی حتی اعدام را در خصوص جرم تعزیری مورد نظر وضع نماید و این مسله هیچ ارتباطی با حدود ندارد.

همچنین این گروه معتقدند مجازات تعزیری غیر از حد می باشد و تعیین مجازات جرایم تعزیر نیز در اختیار حاکم می باشد. حال با عنایت به ابهام به وجود آمده که در بالا به صورت مختصر به آن اشاره گردید، این سوال مطرح میگردد، که با توجه به مفاد ماده 19 قانون مجازات اسلامی مصوب 92 و با عنایت به حاکمیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، آیا صدور حکم اعدام در جرایم قاچاق مواد مخدر به استناد قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب 76 قانونی است یا خیر؟

لذا با عنایت به سؤال مورد نظر و با طرح بیان مسئله اصلی، مجازات اعدام در جرائم قاچاق مواد مخدر چه اختلاف نظرهایی را بوجود آورده است؟؛ ضرورت دارد تا با استدلال و استناد به قانون و منابع معتبر فقهی و حقوقی؛ پاسخ منطقی و مناسبی به این

ابهامات و سئوالات داده شود و به نتیجه قابل قبولی در این خصوص دست یافته و ماهیت مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر به صورت کارشناسی مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.

۳- سوابق و پیشینه

الف- پایان نامه ها:

در پایان نامه مبانی فقهی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، کرم جانی پور، از دانشگاه امام صادق علیه السلام . 1378 . مجازات اعدام در حقوق موضوعه در راس تمام مجازاتها قرار دارد و در حقوق کیفری اسلام نیز قصاص نفس یا اعدام شدیدترین نوع مجازات محسوب می شود.

در پایان نامه بررسی مجازات اعدام در حقوق کیفری ایران و فقه امامیه، بتول سلیمانی از دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۹۰ نتایج تحقیق نشان می دهد که در شریعت مقدس اسلام، جرایم مستوجب اعدام معدودند و قانون گذار با قرار دادن شرایط سخت در مقام اثبات این جرایم، خواسته است مجازات اعدام به آسانی اجرا نشود و تا حد امکان مجرم به این حد از مجازات نرسد؛ اما با نگاهی به قوانین کیفری کشور در می یابیم که تعداد جرایمی که برای آن ها مجازات اعدام وضع شده است، بیش از موارد تعیین شده در فقه امامیه است. از سوی دیگر، در صورتی مجازات اعدام موثر است که زمینهی ارتکاب جرم نیز در کنار مجازات از بین برود. در صورتی که زمینهی ارتکاب جرم در جامعه فراوان باشد و برای رفع این زمینهها اقدامی جدی صورت نگیرد، مجازات اعدام و ترس از آن نمی تواند در جلوگیری از ارتکاب جرایم موثر واقع شود

ب- مقالات:

در مقاله مبانی فقهی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر از جواد حبیبی تبار و ضامن علی حبیبی، درباره ماهیت اعدام در جرایم مواد مخدر در فقه امامیه، سه نظریه مطرح است: برخی بر این عقیده اند که مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، از باب حد است و آن را از مصادیق افساد فی الارض شمرده اند. برخی دیگر معتقدند جرایم مواد مخدر، از جرایم تعزیری است؛ در نتیجه، اعدام در جرایم مواد مخدر را نمی پذیرند. گروه سوم، عقیده دارند که به دلیل حفظ نظام و جلوگیری از فساد در جامعه اسلامی، می توان اعدام را در جرایم مواد مخدر، به عنوان حکم حکومتی پذیرفت؛ و به ادله ضرورت تشکیل حکومت اسلامی استدلال می کنند. در فقه اهل سنت، جرایم بر ضد امنیت دولت، جاسوسی و اعتیاد به مواد مست کننده، از زمره جرایم مستلزم تعزیر است؛

اما اعدام‌های تعزیری را تحت عنوان مجازات‌های سیاسی پذیرفته‌اند و معتقدند که در صورت مصلحت حکومت اسلامی، اعدام، جایز است.

در مقاله کاوشی نو در مجازات اعدام از محمدحسین طارمی در نشریه پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰. مجازات اعدام به عنوان سنگین‌ترین مجازاتی که در حوزه کیفرشناسی مطرح است، این مقاله پس از بررسی فلسفه مجازات‌ها و تقسیم‌بندی این مجازات به اعدام «قصاصی»، «تعزیری» و «حدی»، به بررسی و پاسخ به مهم‌ترین اشکالات مخالفان آن پرداخته است. این اشکالات عبارتند از: مغایرت اعدام با احساس بشردوستی؛ غیر بازدارنده و غیر ارعابی بودن اعدام؛ ایجاد حس انتقام و ترویج آن در جامعه و فرد؛ خطاپذیری محاکمات جنایی؛ و عادلانه نبودن اعدام.

۴- مبانی نظری

مبحث اول- مبانی نظری مواد مخدر و توابع آن

با توجه به تعدد مصادیق جرایم مواد مخدر و کیفیات و حالاتی که به عنوان عنصر مادی این جرایم در مصوبه مبارزه با مواد مخدر در نظر گرفته شده است، تعریف کلی‌ای که شامل همه مصادیق مزبور شود، همانند تعاریفی که در سایر مباحث حقوق کیفری مثل سرقت، جعل و کلاهبرداری، قتل و... صورت می‌گیرد، مشکل است. مشخص نبودن دایره شمول جرایم مواد مخدر نیز این مشکل را مضاعف می‌کند؛ با این توضیح که طبق بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، صلاحیت رسیدگی به جرایم مواد مخدر با دادگاه انقلاب می‌باشد و مشخص نیست که منظور مقنن از عبارت «جرایم مربوط به مواد مخدر»، کلیه اعمالی است که در مصوبه به عنوان جرم شناخته شده‌اند یا فقط جرایمی است که موضوع آن‌ها مواد مخدر باشد که ظاهراً باید فقط اعمالی را که موضوع آن‌ها مواد مخدر می‌باشند، جرایم مواد مخدر محسوب نمود؛ و سایر جرایم را از عداد جرایم مواد مخدر خارج دانست. با این فرض، می‌توان این تعریف را از جرم مواد مخدر داشت: «جرایم مواد مخدر عبارتند از هرگونه کشت، ساخت و تبدیل، نقل و انتقال، خرید و فروش، اخفا و نگهداری و استعمال یا مداخله در مواد مخدر که بر خلاف موازین قانون، صورت پذیرد.» در این تعریف، کلمه «ساخت»، شامل تولید هم می‌شود و کلمه «تبدیل» شامل تغییر شکل و ماهیت ماده و در نهایت، به شکل ماده مخدر در آوردن ماده مورد نظر می‌شود؛ کلمات نقل و

انتقال، شامل وارد کردن، صادر کردن، توزیع و حمل و ارسال می‌شود؛ و کلمه استعمال، اعم است از اعتیاد استعمال تفنی و اتفاقی؛ و مداخله اعم است از این‌که ارتکاب جرم به صورت مباشرت یا معاونت یا وساطت و... باشد (رحمدل، ۱۳۹۱: ۲۳). منظور از کشت، هرگونه عملیاتی است که به تولید طبیعی خشخاش منجر می‌شود؛ اعم از این‌که در یک مزرعه یا باغچه یا حتی گلدان کوچک صورت گیرد و شامل همه مراحل زراعت اعم از کشت و برداشت می‌شود؛ اگرچه وضعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی کشور برای کشت انواع مواد مخدر مناسب است. (همان: ۲۴)

۱-۴ حد

بر اساس ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حد، به مجازات‌هایی گفته می‌شود که موجب نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس مشخص شده است. مجازات‌های حدود مجازات‌هایی است که برای بعضی از جرایم از طرف شارع مقدس تعیین شده و اقل و اکثر ندارد و هیچ کس حق ندارد آن را کم یا زیاد کند. (حبیبی، ۱۳۹۳: ۴۵)

۲-۴ تعزیر

تعزیر در لغت به معنای یاری کردن، بزرگداشت و تأدیب است. تعزیر در اصل به معنای جلوگیری و بازداشتن است؛ لذا تأدیبی که به صورت کمتر از حد باشد، تعزیر نامیده می‌شود؛ چرا که باعث بازداشتن مجرم از تکرار جرم می‌شود. شهید ثانی می‌گوید «معنای لغوی تعزیر تأدیب است و معنای شرعی آن مجازات یا نكوهشی است که از طرف شرع تعیین نشده است». در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه چنین آمده است «تعزیر عبارت است از تأدیب به آنچه که حاکم مصلحت ببیند؛ به منظور اینکه مرتکب عمل حرام را از تکرار ارتکاب عمل ممنوع بازدارد» و در اصطلاح فقهی، کیفری است که چگونگی و اندازه آن معین نیست و حاکم شرع با توجه به مصالح فرد و جامعه مقتضیات زمان و مکان، شدت جرم، سوابق و ویژگیهای مجرم آن را تعیین میکند. صاحب شرایع در همین مورد مینویسد: هر آنچه که مجازات معینی داشت، نامش حد است و آنچه که به این صورت نباشد تعزیر نام دارد. (همچنین یکی از فقهای مشهور قرن ششم در تعریف تعزیر می‌گوید «تعزیر نوعی تأدیب است که خدای سبحان آن را برای جلوگیری گنهگار از تکرار گناه و دیگران از آلوده شدن به آن، وضع کرده است و تمام کسانی که واجبی را ترک میکنند، یا مرتکب حرامی می‌شوند که حد شرعی

ندارد، مستوجب تعزیر هستند». محقق حلی نیز میگوید «هر چیزی که مجازات معین و مشخصی داشته باشد حد، و غیر آن تعزیر شمرده می شود». همان گونه که مشخص است؛ این فقها نیز تعزیر را منحصر در شلاق نکرده، بلکه اشامل هر نوع مجازاتی میدانند همچنین بر اساس ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعزیر چنین تعریف شده است «مجازات است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال میگردد و نوع و مقدار و کیفیت اجرا و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود و دادگاه در صدور حکم تعزیری مواردی از قبیل انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، شیوه ارتکاب جرم و گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن، اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم و سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی را مورد توجه قرار دهد.

همچنین مجازاتهای جرایم تعزیری در ماده ۱۹ ق.م. در هشت درجه تقسیم شده که بالاترین آنها (درجه یک) شامل حبس بیش از ۲۵ سال، جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال، مصادره کل اموال و انحلال شخص حقوقی میباشد. بنابراین مینا و رکن اصلی تعزیر «غیر مقدر بودن» آن است (حبیبی تبار و حبیبی، ۱۳۹۳: ۴۵)

مبحث دوم- مبانی نظری مجازات اعدام در قاچاق مواد مخدر

در این قسمت، مبانی و مستندات فقهی مجازات جرم مواد مخدر بررسی می شود. استعمال و استفاده از مواد مخدر حرام است و جرم، و مستلزم تعزیر می باشد؛ زیرا هر فعل حرامی که در شریعت برای آن مجازات تعیین نشده باشد، حاکم شرع حق دارد مرتکب را مجازات نماید. یکی از محرمات شرعی مستلزم تعزیر، استعمال و استفاده از مواد مخدر است. این مبحث را در دو گفتار بررسی می کنیم: گفتار اول در فقه اهل سنت؛ گفتار دوم در فقه امامیه.

در تعزیر باید اصل تناسب جرم و مجازات رعایت شود و این رعایت تناسب، منوط به نظر امام است که می تواند با گفتار غلیظ و شدید باشد، یا حبس و یا حتی قتل. در جرایم خلاف عفت، در فقه مالکی تعزیر می تواند با عزل از ولایت صورت گیرد. یکی از نویسندگان معاصر اهل سنت می نویسد: تعیین نوع و میزان

مجازات در جرایم مستوجب تعزیر، منوط به نظر ولی امر مسلمین است که متصدی اقامه و اجرای حدود الهی و تطبیق شریعت و اجرای احکام خداوند مطابق منهج قرآن و سنت می باشد. اولیاء امور در خلافت اسلامی، بعضی مجازاتهای تعزیری را بیان می کنند. ائمه، فقها و علما، قضات متکفل بحث در منابع و مصادر تشریح اسلامی هستند. در آنان پرتو مقاصد عمومی شریعت و اهداف، فلسفه مجازاتها، عهده دار ذکر مجازاتهای تعزیری در کتابها و تألیفات خود هستند تا قضات هنگام لزوم، به آن مراجعه کنند

در فقه اهل سنت، مجازاتهای تعزیری بالاتر از حد شرعی پذیرفته شده است؛ در مواردی مانند جاسوسی، بدعت گذاری در امور دینی و جرایم سیاسی که باعث فساد در جامعه می شود و اصلاح آن امکان پذیر نیست جز با اعدام مجرم. ولی امر و حاکم شرع می تواند مرتکبان تعدد و تکرار جرایم را به اعدام محکوم نماید. بنابراین می توان گفت کسانی که با تولید، زرع و قاچاق، توزیع و استعمال مواد مخدر، باعث فساد در جامعه می شوند و با مجازاتهای خفیف مانند حبس، مصادره اموال و مجازاتهای نقدی قابل اصلاح نباشند، در صورت تکرار و گسترده بودن عمل ارتكابی، اعدام آنان جایز است؛ زیرا مصلحت امت اسلامی ایجاب می کند که با اعدام و نابودی این افراد، برای تأمین امنیت روانی و اخلاقی جامعه و جلوگیری از نابودی حرث و نسل، قدم برداشت. ولی امر می تواند در صورت مصلحت عمومی، مجرمان مواد مخدر را به اعدام محکوم کند تا ریشه فساد اجتماعی برچیده شود؛ زیرا مجازات تعزیری میزان معین ندارد و تعیین نوع و میزان مجازات بر عهده امام و ولی امر نهاده شده است که اعدامهای تعزیری را به نام قتل های سیاسی در صورت اعتیاد به جرم با نظر به مصلحت اجتماعی انجام دهد. در اعدامهای تعزیری باید اولاً جرم مربوط به جامعه باشد و متضرر از جرم، جامعه باشد؛ و ثانیاً مرتکب آن، اعتیاد به ارتکاب جرم داشته باشد و قابل اصلاح نباشد. در صورت تشخیص مصلحت امام، اعدام چنین کسانی جایز است. د. حبیبی تبار و حبیبی، ۱۳۹۳: ۴۵)

۱- مبانی فقهی اعدام در جرایم مواد مخدر در فقه امامیه

به طور کلی در فقه امامیه در جرایم مواد مخدر، سه نظریه مطرح است:

الف) تعزیری بودن جرایم مواد مخدر

مرحوم شیخ مفید یکی از پیشگامان فقه امامیه، درباره استعمال مواد مخدر چنین می‌نویسد: «من بنج غیره او اسکر بشی احتال علیه فی شربه منه او اکلہ، ثم اخذ ماله، عوقب علی ذلک بما یراه الامام من التعزیر و استرجع منه ما اخذه لصاحبه» کسی که دیگری را بنگ بخوراند یا در نوشیدن یا خوردن چیزی که او را مست کند، فریب دهد، سپس اموال او را بگیرد، بنا به دستور امام، تعزیر می‌شود و اموال صاحب مال به خودش بازگردانده می‌شود. شیخ طوسی در کتاب نهاییه می‌نویسد: «من بنج غیره او اسکره بشیء احتال علیه فی شربه او اکلہ ثم اخذ ماله، عوقب علی فعله ذلک بما یراه الامام و استرجع عنه ما اخذ فان جنی البنج او الاسکار علیه جنایة، کان المبنج ضامناً لما جناه» کسی که دیگری را بنگ بخوراند یا در کاربرد شیء مست‌کننده فریبش دهد، سپس اموالش را بگیرد، عقاب می‌شود طبق آن چیزی که امام (حاکم شرعی) معین کند؛ و اموالش از او باز پس گرفته می‌شود. قاضی ابن‌براج می‌نویسد: «فانه متی بنج غیره بشیء سقاه او اطعمه، حتی سکر منه و اخذ ماله، وجب ان یعاقبه الامام بحسب ما یراه و یسترجع منه ما اخذه» همان طور که از بیان فقهای امامیه استفاده می‌شود، جرایم مربوط به مواد مخدر، از جرایم تعزیری است که تعیین نوع و میزان مجازات تعزیری، در صلاحیت امام است که طبق صلاحدید خود، مجازات متناسب با جرم را تعیین کند.

ولی سؤال این است که قلمرو صلاحیت امام تا کجاست و «التعزیر بما یراه الحاکم» چقدر گستره دارد؟ در فقه امامیه، مجازات تعزیری باید از حد کمتر باشد و مشهور فقهای امامیه بر این عقیده‌اند. آنان به قاعده اصطیادی «التعزیر دون الحد» استناد می‌کنند. افزون بر آن، صلاحیت تعیین نوع و میزان مجازات و همچنین صلاحیت شکلی، مانند اجرای مجازات، تعلیق مجازات، تخفیف و تشدید مجازات و عفو مجرم به‌دست حاکم شرع است. بنابراین در جرایم مستلزم تعزیر، اعدام را جایز نمی‌دانند. در نتیجه اگر جرم مواد مخدر را تحت عنوان جرایم تعزیری قرار دهیم، اعدام تعزیری در فقه امامیه نداریم. در نتیجه، این مجازات‌ها، تعزیرات شرعی هستند. در منابع فقهی و روایی، تعزیر شرعی منصوص به عنوان اعدام، وجود ندارد و هیچ‌گونه مبنا و

مستند شرعی برای مجازات‌های اعدام شرعی دیده نمی‌شود. قاعده و اصل در تعزیرات این است که «التعزیر دون الحد، التعزیر لکل عمل محرم». هدف از تعزیر، تنبیه، سرزنش و اصلاح مجرم است؛ نه این که هدف، معدوم کردن مرتکب باشد؛ چنان‌که یکی از فقهای معاصر در پاسخ به پرسشی، مرقوم می‌دارد: آیا در مجازات تعزیری می‌توان تا حد اعدام پیش رفت، و فرد را به عنوان تعزیر، اعدام نمود؟ جواب: در مجازات تعزیری، اعدام نیست اعدام در قصاص و بعضی از حدود است (مکارم شیرازی، ۱/۱۶۳: ۱۴۲۵).

ب) حدی بودن اعدام در جرایم مواد مخدر از باب افساد فی الارض

نظریه دوم این است که جرایم مواد مخدر، از مصادیق افساد فی الارض و از جرایم مستلزم حد است. برای افساد فی الارض دو مفهوم قابل تصور است:

الف) مقصود از «افساد فی الارض»، بر پا کردن فساد در منطقه و یا ناحیه‌ای از زمین است. تحقق چنین فسادیه به آثار تخریبی گسترده و وسیع است. د. حبیبی تبار و حبیبی، ۱۳۹۳: ۴۵)

ب) «افساد فی الارض» عبارت است از کوشش و تلاش مستمر برای بر پا کردن فساد آلوده‌سازی ناحیه و منطقه‌ای از زمین. قید تلاش و کوشش از عبارت «یسعون» و قید بر پا کردن فساد در ناحیه‌ای از زمین از عبارت «فی الارض»؛ و قید دوام و استمرار عمل و اصرار بر آن، از هیأت مضارع «یسعون» به دست می‌آید. در نتیجه می‌توان گفت در «افساد فی الارض» بایستی دو عنصر اساسی وجود داشته باشد:

۱) دوام و استمرار: یعنی کسانی که مرتکب جرایم مواد مخدر می‌شوند، در عمل ارتكابی خود، استمرار و اصرار داشته باشند؛ مانند معتادان و قاچاقچیان مواد مخدر که به طور اعتیادی و حرفه‌ای به عمل مجرمانه خویش ادامه می‌دهند که در مرحله اول به مجازات‌های خفیف مانند حبس، جزای نقدی و مصادره اموال محکوم می‌شوند اما تحمیل این مجازات، نه‌تنها باعث اصلاح آنان نمی‌شود بلکه پس از سپری کردن مدت زندان، قوی‌تر و سازمان‌یافته‌تر به عمل مجرمانه خود اقدام می‌کنند و باعث اخلال در نظام و نظم عمومی می‌شوند. اخلال نظام، حرکت سازمان‌یافته‌ای است که از روال معمولی خود خارج می‌شود؛ چنان‌که مواد مخدر، موجب اخلال در نظام شود به صورتی که حفظ نظام مستلزم جرم‌انگاری قاچاق مواد مخدر و تعیین مجازات

اعدام شود، حاکم اسلامی می‌تواند بر اساس آن، جرم‌انگاری کرده، مجازات تعیین نماید.

۲) سازمان یافتگی: امروزه دومین ویژگی «افساد فی الارض» سازمان‌یافته بودن آن است. جرایم مواد مخدر، امروز یکی از مصادیق بارز جرایم سازمان‌یافته شمرده می‌شود که جامعه جهانی را با مشکلات جدی مواجه کرده است. به اعتقاد برخی فقها اشخاصی که در حد وسیع اقدام به توزیع مواد مخدر می‌کنند، مصداق مفسد فی الارض هستند و به مجازات مفسد، محکوم می‌شوند. «مفسد فی الارض» کسی است که منشأ فساد گسترده در محیط شود؛ هرچند بدون توسل به اسلحه باشد، مانند قاچاقیان مواد مخدر و کسانی که مراکز فحشا را به طور گسترده ایجاد می‌کنند. با عنایت به مباحث فقهی طرح‌شده، «افساد فی الارض» عبارت است از هر عملی که آثار تخریبی گسترده‌ای به وجود آورد و یا به بیان دیگر، هر عملی که موجب بروز فساد گسترده‌ای گردد؛ مانند توزیع گسترده مواد مخدر یا دایر کردن اماکن و شبکه‌های فساد و فحشا در سطح وسیع. در چنین مواردی نفس عمل باید حاکی از قصد و سعی مرتکب در به فساد کشاندن جامعه تلقی شود و عنصر معنوی در آن مفروض گرفته شود. از این رو، ایجاد شبکه‌های گسترده فحشا و قاچاق مواد مخدر، به هر انگیزه‌ای، مصداق «افساد فی الارض» خواهد بود (بای، ۴۲: ۱۳۸۵) / مطابق این نظریه، افساد فی الارض و پخش مواد مخدر به صورت وسیع و گسترده و قاچاق آن، دایر کردن مراکز فساد و فحشا حرام است و فقهای عظام فرموده‌اند «التعزیر لکل محرم» و هر که مرتکب فعل حرام شد، بایستی تعزیر شود؛ فرموده‌اند «التعزیر دون الحد» یعنی تعزیر بایستی کمتر از حد باشد؛ ولی در مواردی که جرم، مصداق «افساد فی الارض» باشد و مرتکب آن با یک بار و دو بار مجازات تعزیری، اصلاح و تنبیه نشود و به ارتکاب جرم اعتیاد پیدا کرده باشد، در این صورت می‌توان به عنوان «مفسد فی الارض» حکم اعدام را برای آنان جایز دانست؛ زیرا در جرایم مستلزم تعزیر، اگر مرتکب بعد از دو یا سه بار محکومیت و تحمل مجازات، مرتکب تکرار جرم شود، در مرحله سوم یا چهارم، به اعدام محکوم می‌شود: «اگر مجرم پس از ارتکاب جرم تعزیر شد، ولی مجدداً آلوده آن گشت و مجازات شد، و باز هم تکرار کرد و تعزیر شد، آیا برای بار سوم محکوم به اعدام است، یا این بار نیز تعزیر می‌گردد، و در مرتبه چهارم محکوم خواهد شد، یا اصلاً اعدامی در کار نیست؟ (مکارم شیرازی، ۱/۱۳۱: ۱۴۲۵). برخی از فقها قائل به اعدامند: «و لو تكرر مع تخلل التعزیر ثلاثاً قتل فی الرابعه او الثالثه»

(نجفی، ۴۱/۶۴۴: ۱۳۸۴)، هر گاه جرم تکرار شود، و پس از هر بار، تعزیر اجرا گردد، مجرم در مرتبه چهارم، یا سوم، به قتل می‌رسد. ابن‌حمزه معتقد است: «فان شرب أو أكل غیر مستحل عزز، فان عاد غلظ علیه العقوبه، فان تكرر منه قتل عبره لغیره» (ابن‌حمزه ۱/۴۱۳: ۱۴۰۸)؛ هر گاه شخصی چیز حرامی بنوشد یا بخورد، ولی معتقد به حلال بودن آن کار نباشد، تعزیر می‌گردد؛ و اگر آن گناه را تکرار کرد، به صورت شدیدتر مجازات می‌شود؛ و چنانچه برای بار سوم آلوده آن شود، وی را برای عبرت دیگران به قتل می‌رسانند. ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «من استمنى بیده عزز بما دون التعزیر فی الفجور، او تضرب یده بالدره حتی تحمر، و اذا عزز فی ذلك ثلاث مرات قتل فی الرابعه»؛ چنانچه کسی با دستانش آلوده استمناء گردد، حاکم شرع وی را به کمتر از حد شرعی زنا تعزیر می‌کند، یا مقداری تازیانه بر دستش می‌زند تا سرخ شود، و اگر آن گناه را سه مرتبه تکرار کرد و پس از هر بار تعزیر شد، در مرتبه چهارم اعدام می‌شود. علامه حلی می‌نویسد: هر کس چیزی از محرّماتی که اجماع بر تحریم آن وجود دارد، مانند مردار و خون و گوشت خوک و زنا، حلال بشمرد، از دین اسلام خارج شده، و احکام مرتد دارد...؛ و چنانچه چیزی از خوردنی‌های حرام را بخورد، در حالی که معتقد به حرمت آن است، تعزیر می‌شود؛ و چنانچه پس از تعزیر مجدداً آلوده آن شد، همانند بار اول بلکه شدیدتر مجازات می‌گردد؛ و اگر باز هم به سراغ آن گناه رفت، در مرحله چهارم، اعدام می‌شود. ابن‌ادریس می‌نویسد: «اگر شخصی گوشت مردار بخورد، تعزیر می‌شود؛ و چنانچه پس از تعزیر، آن جرم را تکرار نماید، تعزیر شدیدتری می‌شود؛ و در صورتی که برای بار سوم آن را به‌جا آورد، به قتل رسد تا عبرت برای دیگران باشد» نتیجه این‌که اصل حکم به قتل در صورت تکرار جرایم، و اجرای تعزیر پس از هر بار، در بین فقها مشهور است؛ اما این که در مرتبه سوم کشته می‌شود، یا در مرتبه چهارم، اختلاف نظر وجود دارد. بنابراین در جرایم مواد مخدر، مرتکبان آن بعد از تحمل حبس و جریمه مالی و مصادره اموال، در صورت تکرار جرم، مستحق اعدام می‌باشند، چنان‌که شیخ طوسی می‌نویسد: «و التجاره فی السموم القاتله محظوره، و وجب علی من اتجر فی شیء منها العقاب و التأدیب فان استمر علی ذلك، و لم ینته و جب علیه القتل» تجارت سم و زهرهای کشنده، ممنوع است. هر کسی اقدام به تجارت سم‌های کشنده نماید، باید مجازات شود. ولی اگر تجارت را استمرار دهد و متنبه نشود، به عنوان مرتکب تکرار جرم، بایستی کشته شود. در این زمینه، فقهای شیعه و اهل سنت هم‌نظر هستند که در جرایمی که اساس و بنیان جامعه را متلاشی می‌سازد، می‌توان مجازات اعدام را

تجویز کرد. یکی از جرایمی که باعث نابودی جامعه و نسل انسانی می‌شود، جرایم مواد مخدر است که اگر با تحمیل مجازات‌های بازدارنده، کنترل و اصلاح نشود، در صورت تکرار، در مرحله سوم یا چهارم بایستی اعدام گردد. د. (حبیبی تبار و حبیبی، ۱۳۹۳: ۴۵)

ج) مجازات اعدام به عنوان حکم حکومتی

درباره ماهیت شرعی مجازات اعدام مقرر در قانون، دو دیدگاه بررسی شد: اول این که اعدام در جرایم مواد مخدر، از جرایم مستلزم حد باشد و مرتکب به عنوان مفسد فی الارض، به اعدام محکوم شود؛ نظریه دوم این بود که به عنوان تعزیر شرعی به دلیل تکرار جرم، به مجازات اعدام قائل شویم.

دیدگاه سوم، این است که ماهیت اعدام در جرایم مواد مخدر، مجازات‌های حکومتی و مجازات بازدارنده باشد (مجازات بازدارنده مطابق ماده ۱۷ ق. م. ا. تأدیبات یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی معین می‌گردد؛ از قبیل حبس، جزای نقدی... (د. در تعزیرات حکومتی می‌توان گفت که حاکم اسلامی، مسبوط‌الید است و هر گونه مجازاتی را که متناسب با جرم بدانند، وضع می‌کند. آن محدودیت «التعزیر دون الحد» در تعزیرات حکومتی وجود ندارد و حاکم اسلامی حق دارد از باب امر به معروف و نهی از منکر، در مصادیقی که به عنوان منکر اعلام شده، حتی برای مرتکبان، مجازات اعدام تعیین کند. همچنین به منظور رفع فتنه، حاکم اسلامی می‌تواند برای کندن ریشه فساد، عملی را جرم‌انگاری و برای آن، مجازات اعدام در نظر بگیرد. این مسأله مورد تأیید آیات قرآن (بقره/۱۹۱ و ۱۹۳)، روایات معصومین و عقل است.

«آنچه گذشت، شامل نظریات فقهای اهل تشیع و تسنن و اجرای تعزیر در جرایم تکلیفی بود؛ یعنی در صورتی که شخصی مرتکب فعلی شود که در شرع به عنوان گناه کبیره مطرح است، تعزیر می‌گردد؛ و تعزیر وی علی‌القاعده با تازیانه و دون حد است؛ چنان که قبلاً گذشت. البته در بعضی موارد، حبس یا تبعید یا مجازات‌های دیگری که بیش‌تر جنبه بازدارندگی مجرم را دارد، اعمال می‌شود؛ اما باید توجه داشت که در بسیاری موارد، جرم چنان شدید است که موقعیت دولت اسلامی را در وضعی نامطلوب قرار می‌دهد، گرچه ممکن است از نظر فقهی جزو محرمات قرار نگیرد؛ مثلاً فقها عموماً احتکار حرام را به چند چیز مشخص، منحصر کرده‌اند و معنای آن این است که احتکار در مواردی غیر از نمک، خرما، کشمش و گندم و مثل آن حرام نیست و

ولی آیت‌الله مکارم شیرازی بعد از نقد و بررسی روایات و دیدگاه فقها درباره تکرار جرایم حدی و تعزیری - که برخی معتقدند اگر اصحاب کبایر دو بار حد یا تعزیر شوند، در مرحله سوم اعدام می‌شوند و برخی دیگر عقیده دارند که در مرحله چهارم اعدام می‌شوند؛ که در حقیقت مبنای اختلاف فقهای امامیه، اختلاف روایات این باب است - سرانجام می‌نویسد: «اعدام در صورت تکرار جرایم تعزیری جایز نیست، هر چند بارها تکرار شود. مگر در مواردی که روایت خاص معتبری وجود داشته باشد، که می‌توان مطابق آن عمل کرد (مکارم شیرازی، ۱/۱۳۶: ۱۴۲۵). همچنین یکی دیگر از فقهای معاصر که مخالف تعزیر غیرمنصوص است، می‌نویسد: «إنه لا شبهة فی جواز التعزیر بالضرب دون الحد، و لا خلاف فیه، و تدل علیه الروایات و الاجماع، و أمّا العقوبة بغیر ذلک کالحبس و أخذ المال، و الجرح فمقتضى الأصل و هو استحباب حرمة حبسه و احترام ماله و عدم جواز اخذه منه من غیر طیب نفسه» در مشروعیت مجازات تعزیری ضرب کمتر از حد، تردید وجود ندارد و مسأله مورد خلاف نیست. روایات و اجماع دلیل مسأله است. ولی مجازات‌های دیگری مانند حبس، جریمه و آسیب‌های بدنی مانند جرح، مقتضای اصل که استحباب حرمت حبس و احترام مال باشد، عدم جواز است.

شهید اول در کتاب «القواعد و الفوائد» در ماهیت جرم مواد مخدر می‌نویسد: اگر مصرف مواد، خاصیت مشروبات الکلی را داشته باشد و مست‌کننده باشد، از جرایم مستوجب حد است؛ ولی اگر باعث فساد عقل شود، از جرایم مستوجب تعزیر است. ایشان حشیش و تریاک را از مصادیق زائل‌کننده عقل دانسته، از جرایم مستوجب تعزیر می‌داند. فاضل مقداد می‌نویسد: برخی از فقها فرموده‌اند که مواد مخدر اگر خاصیت مشروبات الکلی را داشته باشد و مست‌کننده باشد، از جرایم حدی است؛ ولی اگر باعث فساد و زوال عقل شود، از جرایم تعزیری است؛ چون آثار مواد مخدر با آثار مشروبات الکلی متفاوت است، جزو جرایم مستلزم تعزیر شمرده می‌شود، نه مستلزم حد. مرحوم علامه در قواعد، مصرف‌کننده حشیش را محکوم به مجازات حدی می‌داند (فاضل ۱۳۶۲: ۵) با توجه به این دیدگاه‌ها می‌توان گفت ارتکاب جرایم مواد مخدر، از جرایم مستلزم تعزیر است؛ زیرا خاصیت فساد و زوال عقل را دارد؛ ولی در صورت تکرار و تحمل مجازات می‌توان

علی‌القاعده چون حرام نیست، پس ارتکاب آن نه جرم است و نه مجازاتی دارد. حال اگر در یک جامعه عظیم چندین میلیونی، نیاز شدید به داروهایی باشد که جنبه حیاتی دارند یا عدم وفور آن در بازار موجب مشکلات جسمی و بهداشتی شده باشد، در عین حال عده‌ای سودجو، برای این‌که این داروها را با قیمتی گران بفروشند، آن‌ها را احتکار کنند، نتیجه آن، هرج و مرج در جامعه می‌شود. در این صورت آیا دولت می‌تواند برای ایجاد تعادل و نظم در جامعه با وضع قوانین دقیق و مجازات‌های شدید، چنین افعالی را مورد تعقیب قرار دهد و مجازات‌های شدیدی نظیر حبس ابد یا اعدام را برای جرم‌هایی که لطمات جدی به امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور می‌زند وضع کند؟ (شمس ناتری، ۱/۱۷۱: ۱۳۷۸). مثلاً اگر کسی ربع دینار شرعی سرقت کند، در صورت فراهم بودن سایر شرایط اجرای حد، بایستی دستش قطع شود؛ ولی اگر کسی میلیاردها دلار از بیت‌المال اختلاس کند، مجازات او کمتر از حد باشد، چون فعل حرام مستلزم تعزیر مرتکب شده است؟ همچنین کسی که مرتکب جرم پول‌شویی شود، به گونه‌ای که نظم و امنیت اقتصادی کشور را متلاشی سازد، به مجازات کمتر از حد محکوم شود؛ زیرا جرم پول‌شویی از جرایم مستلزم تعزیر است؛ یا اگر کسی یک لیوان شراب مایع نوشید، به جرم شرب خمر، حد شرعی بر وی جاری شود، ولی اگر کسی در تولید، قاچاق و توزیع و مصرف مواد مخدر و داروهای روانگردان، به شکل سازمان‌یافته دخالت نماید، باید مجازات او کمتر از حد شرعی باشد؛ زیرا جرم مستلزم تعزیر مرتکب شده است؟

برای پاسخ به این سؤال، به طور خلاصه باید گفت همان ادله‌ای که تأسیس دولت اسلامی را جایز و حتی واجب می‌شمارد، همان ادله نیز وضع چنین قوانینی را لازم می‌دارد؛ چنان‌که امام خمینی می‌نویسد: «فأقامة الحكومة و تشکیل اساس الدولة الإسلامية، من قبیل الواجب الکفایی علی الفقهاء العدول فان وفق أحدهم لتشکیل الحكومة یجب علی غیره الاتباع وان لم یتیسر إلا باجتماعهم، یجب علیهم القیام مجتمعین» (خمینی، ۲/۶۲۴: ۱۳۷۹)؛ بر پا داشتن حکومت و اساس‌گذاری دولت اسلامی از جمله واجبات کفایی است که بر عهده فقیهان عادل نهاده شده است؛ پس اگر یکی از آنان به استقرار حکومت موفق شد، بر دیگران واجب است که از وی پیروی کنند؛ و اگر برپایی حکومت جز با اتفاق آنان ممکن نباشد، بر همه آنان واجب است که به صورت گروهی بدان اقدام کنند؛ و «إن حفظ النظام و سد الثغور المسلمین و حفظ شبابهم من الانحراف عن الاسلام و منع التبلیغ المضاد للإسلام و نحوها من اوضحات الحسبیت» (خمینی،

۲/۶۶۵: ۱۳۷۹)؛ حفظ نظام اجتماعی، حفظ مرزهای مسلمانان، جلوگیری از انحراف جوانان مسلمان از اسلام، خنثی کردن تبلیغات ضد اسلام و امثال این امور، از روشن‌ترین مصادیق امور حسبیه است که قیام برای تشکیل حکومت اسلامی و حفظ نظام اسلامی و ارزش‌های متعالی آن، واجب است. همان‌گونه که از بیانات امام خمینی استفاده می‌شود، وقتی حفظ اصل نظام واجب است، هر آنچه مقدمه حفظ نظام باشد نیز واجب است. یکی از فقهای معاصر می‌نویسد: حال که مصلحت اصل نظام، واجب است، هر آنچه مقدمه است نیز به حکم عقل و با استفاده از اصل مهم و جوب مقدمه واجب، واجب خواهد بود (منتظری، بی‌تا: ۱/۱۸۰) که از جمله این مقدمات، جلوگیری از اختلال، بی‌نظمی و هرج و مرج در سیستم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نظام اسلامی و جامعه است؛ و از آن‌جا که جلوگیری از این مفاسد، لازم و واجب است، باید برای آن اقدامات لازم صورت گیرد و قوانین شایسته وضع شود. حال اگر با وضع مجازات‌های تعزیری که در کتب فقهی مطرح شده که باید از جنس تازیانه و آن هم کمتر از حد باشد که به گونه‌ای قاعده و اصل در این مورد بیان شده، نتوان جلوی این اختلالات، بی‌نظمی‌ها و هرج و مرج‌ها را گرفت، آیا باید ساکت نشست و دست روی دست گذاشت یا با توجه به وجوب حفظ نظام، باید مجازات‌های سنگین‌تر وضع کرد؟ این‌جاست که فلسفه وجودی حکومت اسلامی و ضرورت حفظ آن، اقتضا می‌کند که با وضع مجازات‌های مناسب، با توجه به اوضاع، احوال و شرایط و مصالح جامعه و شدت تهدید که جرم مربوط نسبت به جامعه دارد، مجازات مناسبی وضع و اعمال گردد؛ و این همان چیزی است که به نام تعزیرات حکومتی مطرح می‌باشد (شمس ناتری، ۱/۱۷۴: ۱۳۷۸)؛ «درست است که تأدیب و اصلاح رفتار هر مجرم به مصلحت خود اوست و درست است که فایده این تأدیب، به طور غیرمستقیم به جامعه نیز برمی‌گردد، ولی گاهی اثر سوء برخی جرایم در جامعه به اندازه‌ای است که نجات جامعه از آن، در کنار تأدیب مجرم و اصلاح رفتار وی، خود هدف مستقل است؛ مانند جرایمی از قبیل جاسوسی که کل جامعه از آن آسیب می‌بیند. زیان این قبیل جرایم، غیر از آن است که گفته شود با تحلیل هر جرم و گناهی، معلوم می‌شود زیان آن در نهایت به جامعه بازمی‌گردد. بعید نیست در این قبیل جرایم، تعیین مقدار مورد نیاز از ضربات به اختیار ولی امر باشد و نباید مقید به اندازه‌های کمتر از حد باشیم (حائری، ۱/۳۲: ۱۳۸۶). یکی از فقهای معاصر می‌نویسد: «بدون تردید اداره جامعه، حفظ نظام و رعایت حقوق مردم و تأمین عدالت و قسط، متوقف است بر وضع قوانین و محدودیت آزادی‌های شهروندان،

تأدیب متخلفین و مجازات مجرمان، تا مردم در زندگی‌شان امنیت داشته باشند؛ مال، جان و ناموس مردم در امنیت باشد. اگر ترس مجازات نباشد، حرمتی برای جان، مال و ناموس مردم باقی نمی‌ماند؛ نظام اجتماعی، سیاسی و اخلاقی مختل شده، هرج و مرج جامعه را فرا می‌گیرد. سیره عقلای عالم در تمام مکان‌ها و زمان‌ها بر این، استقرار یافته است که در حوزه امور جزایی، قوانین وضع نموده، جرایم و مجازات‌ها را مشخص نموده، برای هر جرم مجازات متناسب با جرم را وضع نماید تا از این طریق، مجرمین اصلاح شوند؛ این سیره عقلا مورد اهتمام شدید اسلام است» (موسوی اردبیلی، ۱/۴: ۱۴۲۷).

بنابراین حکومت اسلامی که تحت مدیریت فقیه جامع‌الشرایط قرار دارد می‌تواند با وضع یک سلسله قوانین که مصلحت مستقیم حفظ نظام، ضرورت و امنیت جامعه اسلامی به آن احساس شود، مجازات‌های اعدام را در خطرناک‌ترین جرایم مانند جرایم سازمان‌یافته مواد مخدر و جاسوسی و جرایم تروریستی که از مصادیق محارب و مفسد فی الارض نباشد، وضع نماید. البته در وضع قوانین و مجازات‌های بازدارنده، باید نهایت دقت و احتیاط صورت گیرد که حقوق بشر و آزادی‌های فردی شهروندان مورد تعرض حکومت قرار نگیرد؛ به حقوق اساسی و آزادی‌های مشروع شهروندان تعرض نشود؛ و با در نظر داشتن اصل تناسب جرم و جزا و میزان آسیب جرایم مواد مخدر، مجازات متناسب با جرم تعیین شود. از ادله ولایت فقیه و اختیارات حاکم اسلامی استفاده می‌شود که چنانچه مصلحت نظام اقتضا کند، در مواردی، عملی جرم‌انگاری و برای آن مجازات اعدام تعیین شود؛ زیرا حاکم شرع، امین امت اسلامی است و در صورتی که مصلحت امت در وضع قوانین و تعیین مجازات شدید مانند اعدام باشد، می‌تواند چنین قوانینی وضع کند. دست حاکم اسلامی باز است و هیچ محدودیتی ندارد. در مصوبه مبارزه با مواد مخدر، انواع مختلفی از مجازات‌های بدنی و سالب آزادی و محدود کننده یا سلب مالکیت (جزای نقدی مصادره اموال) پیش‌بینی شده است. به‌طور کلی، انواع مجازات‌های پیش‌بینی شده در این مصوبه، به این قرار است:

الف) اعدام؛ جرم موضوع بند ۴ ماده ۴ خرید و فروش و توزیع بیش از ۵ کیلوگرم تریاک و... جرم موضوع بندهای ۴ و ۵ ماده ۶ و ۵؛ جرم موضوع ماده ۶ در صورتی که مجموع مواد مخدر موضوع بندهای ۱ و ۲ و ۳ ماده ۴ در اثر تکرار به بیش از ۵ کیلوگرم برسد؛ جرم موضوع بند ۶ ماده ۸ (خرید و فروش و توزیع بیش از ۳۰ گرم هروئین و... و جرم موضوع ماده ۹ در صورتی که مجموع مواد

مخدر موضوع بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ در اثر تکرار، بار چهارم به ۳۰ گرم برسد) و جرم موضوع ماده ۱۱.

ب) حبس؛

ج) شلاق؛

د) مصادره اموال؛

ه) جزای نقدی (رحمدل، ۱/۶۱: ۱۳۹۱).

با نظرداشت اصل تناسب جرم و جزا، قانون‌گذار جزای متناسب با جرم را وضع کرده است که به شرح، بیان شد. بنابراین مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، از جمله مجازات‌های بازدارنده است که به تأیید فقیه حاکم رسیده است. در نتیجه، می‌توان گفت این از جمله احکام حکومتی است که به ولی فقیه که متصدی اجرای احکام شرع و امین رسول در تطبیق و اجرای شریعت است، رسیده باشد و در نتیجه، مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر می‌تواند از باب مجازات‌های تعزیری باشد که در صورت تکرار، فقها اعدام را در آن‌ها جایز می‌دانند؛ و همچنین می‌توان گفت از مصادیق جرایم حدی قرار می‌گیرد که تحت عنوان مفسد فی الارض هستند. در پایان به عنوان حکم حکومتی و ادله ضرورت حفظ نظام نیز می‌توان در جرایم مواد مخدر قائل به اعدام شد.

۵- اعدام در حقوق اسلامی

از نظر حقوق کیفری اسلام، اعدام بر سه قسم است:

1. اعدام قصاصی: این اعدام در قبال قتل عمد اجرا می‌شود و دارای شرایط خاصی است. حضور شاکی خصوصی در آن به قدری پررنگ است که آن را از قلمرو قواعد آمره خارج می‌کند و اجازه ولی فقیه و دیگر عوامل در آن مؤثر است.

2. اعدام حدی: با توجه به تعاریف فقها از «حد»⁶ اعدام حدی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «مجازات مرگی است که از طرف شارع مقدس معین شده و نمی‌توان آن را به کمتر از مرگ تقلیل داد.» اعدام حدی بر طبق یک تقسیم‌بندی،⁷ دارای انواع ذیل است:

الف. جرایم جنسی: شامل زنا (زنا محصنه یا با محارم یا به عنف و یا غیرمسلمان با زن مسلمان) و لواط؛

ب. جرایم علیه دین و امنیت اجتماعی: شامل محاربه و ارتداد؛

ج. جرایم تکرار جرم: همچون تکرار سه بار زنا که برای بار چهارم، حد اعدام جاری می‌شود.

۱۳. اعدام تعزیری: مجازات مرگی است که از سوی حاکم معین می‌شود. عموم فقهای شیعه اعتقاد دارند که اصل در تعزیرات، مادون حد است، ولی برای عدول از این اصل و اجرای مجازات بالاتر از حد، می‌توان به یکی از سه علت ذیل استناد کرد و اعدام تعزیری را جایز شمرد. مصلحت فرد و جامعه؛ افساد فی الارض؛ . نهی از منکر. (طارمی، ۱۳۸۶: ۶۶)

۶- تاریخچه

۱- تاریخچه مواد مخدر در جهان

هزاران سال بشر در تمام روی زمین از مواد مخدر به عنوان یک وسیله فراموشی و رهایی از غم و اندوه استفاده کرد. از قدیمی ترین ازمه تاریخ انسان تمایل به مصرف مواد داشته که در حالت روانی و هوشیاری از تغییر بوجود آورده الکل و تریاک در میان قدیمی ترین داروها روان گردان قرار دارند که در بسیاری از فرهنگ ها مورد استفاده قرار گرفته اند.

در نقاشی ها که بر روی سنگ حک شده طرح هایی از گل بوته شقایق و خشخشا دیده شده است. قدیمی ترین این آثار مربوط به ۴۰۰۰ سال پیش در نواحی روم و مصر باستان بوده است. بامیان و سومریان، فنیقیها و آشوریان با خواص مواد مخدر آشنا بوده اند. از ۲۰۰۰ سال پیش بیشتر مصری ها، پارت ها، هندوها، چینی ها، ژاپنی ها، رومیان و یونانیان ملت هایی بوده اند که خشخشا را بعنوان داروی مغز شناخته و مورد استفاده قرار داده اند.

هندی ها در مورد مصرف تریاک تعصب خاصی داشتند و تریاک را دارویی آسمانی و شفا بخش می دانستند و آنرا بهترین درمان کلیه الام جسمی و روحی می دانسته اند و حتی اعتقاد داشتند که پلیدی های انسان چون خشم، غضب، حسد، هوی و هوس های انسانی را از انسان دور می کند.

۲۰۰ سال قبل در محافل ادبی فرانسه، حشیش مورد توجه بوده است. از دانشمندان ایرانی زکریای رازی و ابوعلی سینا به خواص

دارویی تریاک توجه داشته اند. با پیشرفت علم طب و شیمی انواع داروهای مخدر زیادتیر شد و مصرف طبی به سوی مصرف که امروزه اعتیادش می خوانیم کشیده شده است.

معرفی تریاک به انگلستان که با تجارت چینی بوجود آمد موجب سوء استفاده های وسیع از آن در قرن ۱۹ گردید. در ضمن جنگ های داخلی آمریکا، ابداع تزریق این داروها سبب استفاده غیر طبیعی وسیع از مرفین شد. هروئین در سال ۱۸۹۸ برای اولین بار بصورت گرد سفید رنگ مورد مصرف قرار گرفت. یکی از داروهای دیگر بر مورها بود که اواسط قرن ۱۹ بعنوان خواب آور رواج یافت. اواخر قرن نوزدهم غربی ها گیاهانی را که به منظور تخدیر بکار می رفتند مثل کاکوئین و حشیش شناختند قبل از جنگ ژاپن هزاران جوان سوی آمختامین ها روی آوردند و کنترل مسئله مستلزم تدبیرهایی مثل ایجاد مؤسسات روانپزشکی و ایجاد موازین قانونی بود.

کاکوئین که اولین بار توسط بومیان آفریقا کشف شد بصورت جویدن، مورد مصرف قرار گرفته است این ماده در حال حاضر از مواد مخدر و پرمصرف در قاره آمریکا و اروپاست. در حالی که ماری جوانا ها لوسنوردنها در دهه ۷ این قرن در طبقات متوسط و بالای متوسط امریکا شیوع یافت. هروئین ترکیب قوی و سریع الاثر مرفین یک مسئله طبی و قانونی و خیم مردم شهری و فقیر سیاه پوست گردید (ستوده، ۱۳۷۲: ۷۸).

۲- تاریخچه تریاک و مواد مخدر در ایران

درباره ورود تریاک به ایران قولهای متفاوتی وجود دارد. به نظر عده ای تریاک از طریق عربها به ایران وارد شده. برخی محققین مدعی اند که در حمله مغول به ایران، سربازان مغولی افیون را وارد ایران کردند و عده ای نیز ورود تریاک به ایران را تحفه نادرشاه پس از لشکرکشی به هند و مراجعت به ایران می دانند. در زمان غزنویان بیشتر سلاطین و درباریان و توانگران مصرف و خوردن تریاک متداول بوده رواج تریاک کشی در ایران از زمان صفویه شروع شده و درباریان اغلب به این ماده معتاد بودند در این زمان مردم ایران عثمانی معتقد بودند تریاک مایه قوت، جرأت و جسارت می شود. در زمان شاه طهماسب اول صفوی خوردن تریاک به حدی میان شاهزادگان و سران دولت رواج داشت که همیشه مقدار زیادی تریاک در انبارهای شاهی نگهداری می شده عصر صفوی را کی توان عصر آغاز مصرف مواد مخدر به صورت گسترده دانست رواج تریاک در این عصر به اندازه ی بود که

شربت تریاک در عطاریها به فروش می رسید و مردم به سهولت می فرمودند و می خوردند(اورنگ،۱۳۶۷:۲۵).

تریاک کشی به صورت جدید از زمان قاجاریه با فعالیت استعمارگران شکل گرفت و در واقع شکل سیاسی مواد مخدر از این زمان آغاز گردید. کشت خشخاش در ایران از زمان امیر کبیر در مرحله آزمایش بوده است و بنا به نوشته روزنامه وقایع اتفاقیه زراعت خشخاش در اطراف تهران به عنوان آزمایش انجام می شده است.

شاید اولین عاملی که در گسترش و رواج مواد مخدر در ایران بیشترین مهم را داشت پذیرش مواد مخدر به عنوان یک داروی مسکن آلام از سوی مردم به علت فقدان بهداشت و بی اطلاعی بود. شرایط ایران در دوره قاجاریه مناسب ترین زمینه را برای پذیرش اینگونه تصورات فراهم کرده و ماده مخدر تریاک در فرهنگ جامعه جای گرفت.

چنانچه ملاحظه می شود همراه با رشد استعمار در جامعه های در حال رشد، کشت خشخاش و اعتیاد به تریاک در روستاهای ایران متداول گشت و خرید و فروش آن معمول شد. چون انگلیسی ها تریاک ایران را خوب می خریدند، کشاورزان دست از زراعت گندم کشیدند و قسمت زیادی از اراضی گندم را کشت خشخاش و اعتیاد تخصص دادند، به طوری که تریاک به صورت یکی از مهمترین اجناس صادراتی ایران در آمده در زمان حسن صباح نیز فداییان وی حشیش مصرف می کرده اند و بعد از استعمال با جرأت شده و کارهای دشوار را تا سر حد مرگ انجام می دادند(ستوده ۱۳۷۲:۱۲)..

۷- قوانین ایران درباره مواد مخدر

با سوء مصرف مواد مخدر و آسیب های ناشی از آن مخصوصاً در جهت امنیت جوامع در ایران قوانین به منظور ایجاد محدودیت هایی در امر کشت خشخاش و استعمال تریاک تصویب گردید. قانون تشدید مجازات و تکبیین کشت خشخاش و قاچاقچیان مواد مخدر در سال ۱۳۴۸ به تصویب مجلس رسید. طبق این قانون برای ریشه کن کردن مواد مخدر مجازات در اعدام برای قاچاقچیان و سوداگران مواد مخدر پیش بینی گردید. لایحه قانونی تشدید مجازات مواد مخدر نیز در سال ۱۳۵۹ به تصویب رسید. از سال ۱۳۶۷ مبارزه با مواد مخدر شدت بیشتری پیدا کرد که مهمترین آن ایجاد پایگاه های مجهز در مرزها بود(کی نیا، ۱۳۷۰:۸۰).

۱-۷ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر مصوب ۷۶/۸/۱۷

اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می شود.

1. کشت خشخاش و کوکا مطلقاً و کشت شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر.

2. وارد کردن، ارسال، صادر کردن، تولید و ساخت انواع مواد مخدر.

3. نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اخفاء، ترانزیت، عرضه و فروش مواد مخدر.

4. دایر کردن یا اداره کردن مکان برای استعمال مواد مخدر.

5. استعمال مواد مخدر به هر شکل و طریق، مگر در مواردی که قانون مستثنی کرده باشد.

6. تولید، ساخت، خرید، فروش، نگهداری آلات و ادوات و ابزار مربوط به ساخت و استعمال مواد مخدر.

7. فرار دادن یا پناه دادن متهمین، محکومین مواد مخدر که تحت تعقیباند و یا دستگیر شده اند.

8. امحاء یا اخفاء ادله جرم مجرمان.

9. فرار دادن مواد مخدر یا آلات و ادوات استعمال در محلی به قصد متهم کردن دیگری(همان:۶۶)

۸- بررسی ماهیت مجازات اعدام در جرم قاچاق مواد مخدر

به طور کلی درباره ماهیت اعدام در جرایم مواد مخدر، سه فرضیه مطرح است:

الف) مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، مجازات حدی است و جرایم مواد مخدر به دلیل خطر بالایی که برای جامعه و نظام سیاسی دارد، از مصادیق افساد فی الارض است و مرتکب به عنوان مفسد فی الارض، مطابق آیه ۳۳ سوره مائده، بایستی اعدام گردد: برخی از فقها با استناد به این آیه شریف، جرایم مربوط به مواد مخدر را از جرایم مستلزم حد دانسته و از مصادیق افساد فی الارض شمرده اند.

ب) جرایم مواد مخدر از جرایم مستلزم تعزیر است؛ و بر این اساس، اجرای جرایم تعزیری، منوط به نظر حاکم است مطابق این نظر، مجازاتهای مصوب مجمع تشخیص مصلحت، تعزیری

است و استفاده از مقررات ماده ۲۲ در آن‌ها بلاشکال است.» بنابراین به استناد این ماده، قاضی دادگاه می‌تواند متهم را به مجازات کمتر از حد اقل مقرر در قانون محکوم نماید مگر آن‌که صریحاً منع شده باشد ولی رویه در دیوان عالی کشور و دادستانی کل کشور بر نظریه اول است؛ از جمله در پرونده‌ای که شخصی به اتهام خرید و فروش بیش از ۵ کیلوگرم تریاک توسط قاضی مربوط به اعدام محکوم شده بود، نهایتاً پس از طرح موضوع در دیوان عالی کشور در مقام اعاده دادرسی، دادیار دادرسی دیوان عالی کشور در مورد خلاف قانون بودن حکم نظر داده است: «دادگاه مجاز به اعمال تخفیف مندرج در ماده ۲۲ ق.م.ا نسبت به مجازات مقرر در بند ۴ ماده ۴ مصوبه نمی‌باشد و این نظر به وسیله رئیس دیوان عالی کشور تأیید شده است.

ج) اعدام در جرایم مواد مخدر، از احکام حکومتی است. در صورتی که فساد ناشی از جرایم مواد مخدر، با سایر مجازات‌های مقرر در قانون، قابل کنترل نباشد، حکومت اسلامی می‌تواند در برخی جرایم، مجازات اعدام وضع کند، برای مصلحت حکومت و جامعه دینی؛ زیرا حفظ نظام اسلامی و جلوگیری جوانان از افتادن به دام اعتیاد به مواد مخدر و انحرافات اخلاقی، نابودی حرث و نسل، و از مصادیق بارز امور حسبیه است که حاکم اسلامی می‌تواند مجازات‌های متناسب با جرم را برای جلوگیری فساد از جامعه وضع نماید. همان ادله‌ای که تشکیل حکومت اسلامی را وظیفه فقهای جامع‌الشرایط می‌داند، به فقهای جامع‌الشرایط، صلاحیت وضع قوانین حکومتی را نیز می‌دهد.

۹- بررسی دیدگاه مخالفین مجازات اعدام در جرائم قاچاق مواد مخدر

تعدادی از فقهای شیعه معتقدند که تعزیر نباید به میزان مجازات حدی برسد و قاعده «التعزیر بمادون الحد» به معنای این است که میزان مجازات جرایم تعزیری پایینتر از مجازات حدود میباشد و مجازات تعزیری نباید همسطح و یا بالاتر از مجازات حدی قرار گیرد چرا که جرایم حدی در نظر شارع دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای بوده است که برای اعمال آن مجازات‌ها، شرایط و چهارچوب خاصی در نظر گرفته شده است، برخلاف جرایم تعزیری که اهمیت کمتری نسبت به جرایم حدی داشته و لذا میبایستی مقررات آسانتری نیز در مورد آن‌ها وضع شود.

همچنین به نظر برخی از فقها، در تعزیرات، اصل بر تازیه است؛ و مجازات‌های دیگر که احیاناً به عنوان تعزیر انجام می‌گیرد، عنوان بدل دارد. بنابراین، باید در مقام اجرای «بدل» دقیقاً مورد اندازه‌گیری قرار گیرد تا از حیث تأثیر، از مبدل تجاوز ننماید. از این رو، سایر مجازات‌ها، مانند زندان و جریمه مالی، بر خلاف اصل و منحصر به موارد مشخص است که در کلام یا عمل قانونگذار اسلامی آمده است و در غیر آن موارد، نمیتوان آن مجازات را اعمال نمود. این دسته از فقها معتقدند که اختیار انواع دیگر عقوبت‌ها (جز تازیه) بر خلاف اصل است؛ مگر آنکه اولاً، برابر با عقوبت تازیه باشد. ثانیاً، اختیار عقوبت دیگر مشروط بر آن است که خود بزهکار بدان رضایت دهد؛ در غیر این صورت قابل اجرا نیست د. (حبیبی تبار و حبیبی، ۱۳۹۳: ۴۵)

از آنجایی که قانون مجازات اسلامی در خصوص اینکه آیا مجازات تعزیری میتواند همانند مجازات حدی و یا شدیدتر از آن باشد؟ ساکت میباشد، باید گفت، در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ صرفاً نسبت به مجازات شلاق چنین عنوان میداشت «میزان شلاق تعزیری باید کمتر از شلاق حدی باشد» اما قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هیچ اشاره‌ای به این مهم ننموده است، فلذا بر اساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۲۲۰ ق.م.ا میبایست پاسخ مقتضی را از مراجع به فتاوی معتبر فقهی به دست آورد. که با توجه به نظر مشهور فقها مبنی بر اینکه مجازات جرایم تعزیری میبایستی در هر حال از مجازات در نظر گرفته شده برای حدود کمتر باشد و به استناد قاعده «التعزیر بمادون الحد» نمیتوان برای یک جرم تعزیری مجازات اعدام که شدیدترین مجازات‌ها میباشد را در نظر گرفت؛ لذا مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر منتفی خواهد بود. بر همین اساس قانونگذار در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اساساً مجازات اعدام تعزیری را منتفی نموده است یعنی قانونگذار کلیه اعدام‌های تعزیری را به مجازات‌های تعزیری درجه ی یک که شدیدترین نوع مجازات تعزیری است، تبدیل کرده است و در تقسیم انواع مجازات‌های تعزیری؛ سنگینترین و بالاترین نوع از انواع مجازات‌های تعزیری را حبس بیش از ۲۵ سال تعیین و از ذکر مجازات «اعدام» در دسته بندی جرایم تعزیری خودداری نموده است. فلذا با عنایت به موارد فوق و با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر منتفی خواهد بود و منبعده نمیتوان قاچاقچی مواد مخدر را به اعدام محکوم کرد و چنانچه قانونگذار نظری غیر از

این می‌داشت، میبایستی نوع مجازات اعدام را در دسته بندی مجازاتهای تعزیری در قانون قید میکرد.

از طرفی؛ با توجه به اینکه یکی از مهمترین استناد افرادی که مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر را از باب افساد فیالارض (حدود) میدانند آیه 33سوره مبارکه مائده میباشد عدهای از جمله آیت الله سید محمد حسن مرعشی معتقدند افرادی مشمول احکام چهارگانه قید شده در آیه شریفه میباشد، که اولاً سلاح کشیده و قصد ترساندن و به وحشت انداختن را داشته باشند، ثانیاً قصد فساد داشته باشند، ثالثاً قصد اصلی آنها محاربه علیه خدا و رسول باشد و در نتیجه فساد فی الارض، عنوان مستقل در شرع نبوده و دارای حکم جزایی خاصی نیز نیست بلکه این عنوان در آیه مربوطه مبین و مکمل تعریف محاربه است بنابراین همه اعدامهایی که به عنوان فساد فی الارض انجام میشوند خلاف شرع میباشد و با توجه به اینکه ملاک قانون گذار جمهوری اسلامی ایران شریعت میباشد پس فقط میتوان در خصوص جرائم منصوص شرعی، حکم به مجازات اعدام را صادر نمود.

عدهای نیز معتقدند وقتی برای بدترین جرم که همان محاربه علیه خدا و رسول خداست، چهار مجازات تعزیری مقرر شده است پس چگونه میتوان برای سایر جرائمی که فسادشان از محاربه کمتر میباشد، منحصر و به طور قطع مجازات اعدام صادر نمود.

همچنین روایاتی وجود دارد که در هیچ مرحله ای از جرایم تعزیری قتل را واجب نمیداند، به عنوان مثال امام صادق (ع) در مورد «ربا خوار» و «کسانی که گوشت خوک» و «خون» میخورند فرمودند «چنین اشخاصی تعزیر میشوند و اگر گناه را تکرار نمودند مجدداً تعزیر میگردند و اگر برای بار سوم نیز تکرار کردند باز هم تعزیر می‌شوند و حدی بر آنان جاری نمیشود» یعنی در هیچ مرحله‌های چنین مجرمی، کشته نمیشود (شیخ
مواد مخدر و راههای پیشگیری از آن بنابراین، اعدام در صورت تکرار جرائم تعزیری جایز نیست، هر چند بارها تکرار شود.

با توجه به اینکه جرایم مواد مخدر در زمره جرایم تعزیری قرار داشته و جزء جرایم منصوص شرعی و حدود نمیباشد، لذا این دسته از فقها به استناد به موارد فوق، معتقدند نمیتوان قاچاقچی یا فروشنده مواد مخدر را تحت این عنوان که چنین افرادی مفسد فی الارض میباشد، اعدام

نمود. چون آیه کریمه 33سوره مائده در رابطه با کسانی است که با قصد ایجاد رعب و وحشت و به صورت مسلحانه مرتکب فساد بر روی زمین گردد و هر فردی که بدون داشتن چنین قصدی، دست به فساد بزند، شامل چنین مجازاتی نمیباشد. مجازات اعدام در قاچاق مواد مخدر را از باب افساد فی الارض بودن

برخی از فقهای شیعه معتقدند که اگرچه به استناد قاعده «التعزیر بمادون الحد» میزان مجازات جرایم تعزیر نباید به میزان مجازات حدی برسد و میزان مجازات جرایم تعزیری پایینتر از مجازات حدود میباشد و بنا به نظر مشهور فقها میزان مجازات جرایم تعزیری میبایستی در هر حال از مجازات در نظر گرفته شده برای حدود کمتر باشد و نمیتوان برای یک جرم تعزیری مجازات اعدام که شدیدترین مجازاتها میباشد را در نظر گرفت و اگرچه جرایم مواد مخدر جزء حدود و جرایم منصوص شرعی نمیشود؛ لیکن مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر از باب تعزیر نبوده بلکه به استناد روایات فقهی معتبر، این مجازات از آنجایی که موجب اشاعه فساد در زمین بوده، از باب حد مفسد فی الارض میباشد و به اعتقاد این دسته از فقها اشخاصی که در حد وسیع اقدام به توزیع مواد مخدر مینمایند، مصداق مفسد فی الارض بوده و به مجازات مفسد محکوم میشوند.

به عبارت دیگر موضوع حکم آیه مزبور عبارت است از محاربه و فساد در زمین و این دو مفهوم از هم جدا نیستند و این آیه افرادی که در زمین فساد مینمایند اما محارب نیستند را در بر نمیگیرد.

پس آیه 33سوره مائده، نمیتواند معیار و ملاک باشد زیرا فساد معنای وسیعی دارد و فساد در زمین که مجوز اعدام در سوره مبارکه مائده آمده است، نمیتواند منشأ موارد گسترده در قرآن کریم شود بلکه مواردی که فساد در زمین مجوز قتل است عبارتند از ایجاد ناامنی نسبت به نفوس و اعراض و اموال مردم و مبارزه با حکومت اسلامی به منظور براندازی یا تضعیف حکومت و جلوگیری از اجرای احکام مقدس اسلام؛ بنابراین با توجه به این نظر نمیتوان عمل قاچاقچی مواد مخدر را از باب افساد فیالارض مستوجب اعدام دانست. در ثانی چنانچه بپذیریم که مجازات اعدام در جرایم قاچاق مواد مخدر از باب افساد فیالارض (حدود) میباشد، چون حدود تعطیل بردار نیستند و به استناد ماده 219ق.م.ا غیرقابل تخفیف، تبدیل و یا تقلیل میباشد پس نمیتوان ماده 37ق.م.ا (در خصوص تخفیف مجازات) را در مورد مجازات اعدام

الحد» در جمله «التعزیر دون الحد» به معنای «کمتر و پایین» نیست، بلکه به معنی «غیر و سوی» است همچنین معنای «دون» منحصر در معنای فوق نیست، بلکه دارای سه معناست 1- به معنای رتبه‌های پایینتر یا عدد کمتر. آیه، مکانی نزدیک به یک چیز نسبت به مکان دیگری است که به آن شیء به آن اندازه نزدیکی ندارد و این کلمه ظرف مکان است.» 3- به معنای «غیر و سوی» که اکثر قریب به اتفاق استعمالات قرآنی به همین معناست؛

۱۰- بحث و نتیجه گیری

در این نوشتار، ماهیت مجازات اعدام در جرایم قاچاق مواد مخدر مورد بررسی قرار گرفت. پرسش اصلی این بود که ماهیت مجازات اعدام در جرایم قاچاق مواد مخدر، چیست؟ جرایم مواد مخدر از مصادیق هیچ کدام از جرایم حدی شمرده نمی‌شود؛ حتی نمی‌توان آن را مصداق شرب خمر و مسکرات دانست؛ زیرا مواد مخدر مست‌کننده نیست، بلکه باعث فساد عقل می‌شود. اگر از جرایم مستلزم تعزیر است، فقهای امامیه در جرایم تعزیری در مرحله اول قائل به مجازات اعدام نمی‌باشند؛ زیرا معتقدند التعزیر دون الحد ولی اگر مرتکب با تحمل مجازات تعزیری در مرحله اول و دوم به‌طور مکرر مرتکب جرم تعزیری شود، مشهور فقها با استناد به روایات معتبر، قائلند که در مرحله سوم یا چهارم می‌شود او را اعدام کرد. نظر دیگر این است که در جرایم مستلزم تعزیر، اصلاً اعدام جایز نیست، ولی با توجه به ادله تشکیل حکومت اسلامی و ضرورت حفظ نظم و نظام، می‌توان گفت فقیه حاکم، قوانینی را وضع کند و در صورت مصلحت، اعدام را تجویز نماید. در این صورت، مبنای جواز اعدام، مصلحت نظم عمومی و نظام حکومتی باشد.

به‌طور کلی درباره ماهیت مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر در فقه امامیه، سه نظریه مطرح شده است حدی بودن اعدام از باب افساد فی الارض؛ تعزیری بودن مجازات جرایم مواد مخدر در صورت تکرار و تعدد؛ و از باب احکام حکومتی بودن آن. رویه قضایی حاکم در جمهوری اسلامی در مواد مخدری کمتر از ۵ کیلوگرم تعزیری است و با اعمال حبس و جریمه‌های نقدی مجازات می‌شود؛ ولی در مواد مخدر بیش‌تر از ۵ کیلوگرم از مصادیق جرم حدی است، چون مصداق افساد فی الارض شمرده می‌شود که قابل عفو و اسقاط نیست. در فقه اهل سنت این جرم با این‌که از جرایم تعزیری است، در برخی جرایم تعزیری که باعث

در جرائم مواد مخدر اعمال کرد. در حالی که حکم تخفیف در مورد مجازات اعدام در ماده 38 قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب 1376 ذکر شده و ماده مذکور چنین می‌گوید «...» میزان تخفیف در احکام حبس ابد 15 سال خواهد بود و در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد» همچنین اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۲۳۹۸/۷ مورخه 1370/5/12 عنوان داشته «مجازاتهای مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام تعزیری است و استفاده از مقررات ماده 22 قانون مجازات اسلامی (ماده 37 فعلی) در مورد آنها بلاشکال است.» پس از اگر مجازات اعدام از باب حد مفسد فی الارض باشد، پس قاعداً قابل تخفیف نیست ولی از آنجایی که به استناد ماده 38 قانون مبارزه با مواد مخدر و نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه، مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر قابل تخفیف می‌باشد، پس چنین مشخص می‌گردد که مجازات اعدام در جرایم قاچاق مواد مخدر از باب تعزیر بوده و قابل تخفیف می‌باشد.

فقهایی که مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر را خلاف شرع میدانند، معتقدند که در تعزیرات، اصل بر تازیانه است و سایر مجازات‌ها، مانند زندان و جریمه مالی، بر خلاف اصل و منحصر به موارد مشخص شده در شرع است. در پاسخ به این دسته گروهی دیگر از فقها چنین اعتقاد دارند که در مجازات تعزیری اصل بر تازیانه نیست و انحصاری هم به آن ندارد؛ بلکه بر حسب زمان و مکان و صلاحدید حاکم و حکومت اسلامی میتوان مجازات‌های دیگری در نظر گرفت، و آنچه که در کلام قانونگذار اسلامی و یا عمل او در موارد مختلف آمده به عنوان مثال بوده که قابل اتخاذ ملاک و تسری به موارد مشابه است؛ نه اینکه منحصر در آن موارد باشد؛ و علت ذکر تازیانه، در بیشتر موارد، به لحاظ عرف غالب در زمان شارع بوده است و چنین نتیجه گرفته میشود، که برای تنبیه بزهکاران و متخلفین، حاکم اسلامی میتواند انواع مجازات‌های متناسب با جرایم ارتكابی، نظیر زندان، جریمه مالی، تبعید، نگهداری در مراکز تأمینی و تربیتی، محرومیت از مشاغل دولتی، تعطیل مراکز فعالیت و کار و نظایر آن را بر حسب شرایط زمان و مکان و تواناییهای اشخاص، تعیین نماید.

یکی از مهم‌ترین استناد افرادی که مجازات اعدام قاچاقچی مواد مخدر را خلاف شرع میدانند استناد به قاعده فقهی «التعزیر دون الحد» میباشد و این قاعده را چنین معنا میکنند که «تعزیر پایینتر از حد میباشد» در حالی که برخی از فقها معتقدند که کلمه «دون

فساد در جامعه می‌شود، تحت عنوان تعزیرات سیاسی و حکومتی، اعدام را جایز می‌دانند.

۱۱- منابع و ماخذ:

- امام خمینی ، تحریر الوسیله ، انتشارات اسماعیلیان ، ج ۲ .
- اورنگ، جمیله(۱۳۶۹). پژوهش درباره اعتیاد، تهران: انتشارات فرهنگ ارشاد.
- ستوده، هدایت‌الله(۱۳۸۰). مقدمه ای بر آسیب شناسی چاپ اول انتشارات پیام نور، پاییز
- حبیبی تبار، جواد. ضامن علی حبیبی، مبانی فقهی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، فصلنامه پژوهش حقوق، ۱۳۹۳.
- کی نیا، مهدی(۱۳۷۰)، مبانی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، آبان.
- رحمدل، منصور (۱۳۹۱)، حقوق کیفری مواد مخدر، نشر دادگستر.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۷۸)، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم.
- شکوری ، (۱۳۶۵)مسائل قضایی از دیدگاه امام خمینی (ره) ، چاپ اول ، ۱۳۶۵.
- شهید ثانی(۱۳۸۵) ، مسالک الافهام ، چاپ اول ، انتشارات مؤسسه معارف اسلامی .
- طباطبایی، سید علی (۱۳۶۰)، ریاض المسائل ، انتشارات مؤسسه آل البيت
- خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نجفی، محمدحسن(۱۳۸۵)، جواهر الکلام، دار الکتب الاسلامیه، تهران